



هدف و روش تحقیقات اجتماعی در ایران

پدیدآورنده (ها): نراقی، احسان

علوم اجتماعی :: نشریه مطالعات جامعه شناختی :: دوره قدیم، زمستان ۱۳۴۸ - شماره ۳ (ISC)

صفحات: از ۹ تا ۲۵

آدرس ثابت: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/94178>

تاریخ دانلود: ۱۴۰۲/۰۴/۱۷

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و برگرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



هدف و روش تحقیقات اجتماعی

در ایران

مقدمه

جامعه سنتی ایران وارد یک مرحله سریع دگرگونی شده است. نوسازی، اخذ تمدن غربی، بهره‌مندی از تکنولوژی جدید در کشاورزی و صنعت، دگرگونی عمیقی نه تنها در ساخت گروه‌های اجتماعی بلکه در روحیات افراد ایجاد کرده است. برای درک این دگرگونیها و هدایت آن در مسیری مناسب، ابداع روشهای نوین جامعه‌شناسی ضروری به نظر می‌رسد. اما چگونه باید اقدام کرد؟ کجا باید الگوها و مفاهیمی را یافت که این روشها باید براساس آنها پی‌ریزی شوند؟ بی‌شک تاریخ اجتماعی غرب در این زمینه می‌تواند تا حدودی ما را یاری دهد، به شرط آنکه راهی که می‌رویم اصالتی خاص خود داشته باشد و تفکر اجتماعی نشأت یافته از میراث فرهنگ ایرانی مقام خود را باز یابد. یقیناً ما باید از تجربیاتی که غرب در علوم اجتماعی تحصیل کرده است مدد بگیریم بی‌آنکه فراموش کنیم که این علوم در قید جهتی ایدئولوژیک هستند که ماهیت آن غربی است. با وجود پیشرفتهای قابل ملاحظه‌ای که در این زمینه حاصل شده است، با وجود ارزش قطعی روشهایی که تجربه شده‌اند، یقین داریم که همکاران غربی ما در این مورد با ما هم عقیده‌اند که هیچ سیستم نظری نمی‌تواند انسان را با همه تنوع و پیچیدگی وجودش در برگیرد. غرض از این مقدمه بیان راه ویژه‌ایست که علوم اجتماعی در ایران در پیش گرفته‌اند و دو نیازی است که می‌باید برآورند:

الف) نیازهای معنوی جامعه‌ای که در معرض تغییرات سهم و عمیق قرار دارد و از راه تجارب و اصول نظری علوم اجتماعی باید به آن کمک کرد تا موقعیت خود را در جهان کنونی دریابد؛

ب) نیازهای عملی جامعه به شناخت اسور و مسائل و یافتن راه‌حلها و خط‌مشی‌هایی که به بهبود وضع اجتماع و اقتصاد کمک کند.

در این خصوص تجربه غرب در زمینه مطالعات نظری و علمی کمک بزرگی برای ماست . با این وصف ، لازمست استقلال خود را در انتخاب ملاکهای مختلفی که برای تفسیر و تحلیل و ارزیابی پدیده‌های جدید لازمست حفظ کنیم . بدین ترتیب ، در ده سال اخیر مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران کوشیده است که علوم اجتماعی جدید غرب را به نحوی در ایران ستاداول کند که پاسخگوی نیازهای خاص جامعه ما باشد . در این تلاش بدین نتیجه رسیده ایم که مناسبترین روش عرضه علوم اجتماعی نشان دادن رابطه آنها با رشد جامعه‌هایی است که این علوم در بطن آنها به عرصه رسیده‌اند ، و نشان دادن ارتباط میان پیدایش مفاهیم جدید ، و معرفی کردن مفهوم عملی علوم اجتماعی .

در مورد کاربرد عملی علوم اجتماعی ، از جمله جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی ، سعی بر این بوده است که معیارهای معمول و متداول در غرب را با روشهای مخصوص و متناسب با کشور خود تکمیل نماییم .

در صفحات آینده تلاشهایی را که مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران از بدو تأسیس خود در سال ۱۳۳۷ تا کنون در زمینه‌های ذیل انجام داده است ، اجمالاً بیان می‌کنیم .

جمعیت‌شناسی

مانند اغلب کشورهای در حال رشد ، مسئله افزایش جمعیت در ایران از مسائل درجه اول است . البته منظور از ذکر این نکته این نیست که سرزمین ایران به نسبت منابعی که دارد کم جمعیت یا پر جمعیت است ، بلکه تنها توجه دادن بدین واقعیت است که میزان ۳٪ رشد طبیعی جمعیت در سال ، تأثیر اساسی بر بنیان اقتصادی و اجتماعی کشور و همچنین بر رشد و توسعه آن دارد .

مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی از آغاز تأسیس به بررسی وضع رشد جمعیت در کشور اهتمام نمود . نخستین سرشماری عمومی ایران ، در سال ۱۳۳۰ ، امکان داد که حجم و مشخصات عمده ساختمان جمعیت شناخته شود و به دنبال آن در مؤسسه تحلیل دقیقی از میزان باروری و مرگ و میر در کشور شد . در این مورد باید گفت که تحول مرگ و میر را می‌توان به سهولت برای آینده نزدیک تخمین زد . اما باروری به عوامل پیچیده‌ای بستگی دارد و پیش بینی تحول آن یا حتی تشخیص میزان فعلی آن مستلزم تحقیقات متعدد و بررسیهای خاص است . از اینرو ، مؤسسه در سال ۱۳۴۴ مطالعات جمعیتی خود را با بررسی باروری در محیط روستایی و در تهران آغاز کرد .

شناسایی حجم و ساختمان کنونی جمعیت و نیز دانستن نسبت مرگ و میر و باروری امکان تحقیق در باره رشد جمعیت و امکانات آینده آن را فراهم می‌کند . در کشورهایی که جمعیتشان در فاصله ۲۰ تا ۴۰ سال ، با ۲ تا ۳٪ رشد سالیانه ، دو برابر می‌شود ، پیش بینی جمعیت اهمیت قابل ملاحظه‌ای برای تدوین برنامه‌های رشد اقتصادی دارد . اما این دورنماهای فرضی

نمی‌توانند آینه تمام نمای آینده باشند. بنابراین، لازم است که فرضها متعدد باشد و به کار برنده آنها نباید تنها یکی از فرضها را مبنای محاسبه قرار دهد. جمعیت شناس تنها قادر است چارچوب احتمالی تحول جمعیت را بیان کند، نه یک پیش بینی تام و تمام را. کم و کاستیهای اطلاعات اساسی ایجاب می‌کند که وقت زیادی صرف تصحیح و تنظیم آنها شود. شکست بسیاری از محاسبات جمعیتی در کشورهای در حال رشد علت دیگری ندارد جز کمی دقت در آمارگیریها.

لکن نیاز به برنامه ریزیهای متوسط و بلند مدت، استفاده از پیش بینیهای کلی رامحدود می‌سازد و برای برنامه ریزی پیش بینیهای دقیق تری لازم است: توزیع منطقه‌ای جمعیت، جمعیت فعال و غیر فعال، جمعیت درس‌ن مدرسه و غیره. در حالیکه، آمارهای لازم برای چنین پیش بینی‌هایی غالباً در دست نیست و اگر هم وجود داشته باشد کیفیت آن از سرشماری کل جمعیت ضعیفتر است. به تقاضای سازمان برنامه، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی به محاسبات دقیقی، مخصوصاً در مورد تخمین جمعیت تهران در فاصله سالهای ۱۳۳۵-۱۳۷۰، اقدام کرده است.

با تجزیه و تحلیل ساختمان فعلی جمعیت و بررسی چگونگی رشد آن و محاسبه رویداد-های مختلف، هم اکنون مجموعه نسبتاً کاملی از تحقیقات عملی فراهم آمده است. مطالعات مربوط به تحول جمعیت تهران، در عین حال، مؤسسه را به تحقیقات اساسی در مناسبات رشد کلی جمعیت و ناهماهنگی رشد جمعیت شهری و روستایی هدایت کرده است. همچنین مطالعات مربوط به تحلیل سرشماری عمومی ۱۳۳۵-۱۳۴۵، انگیزه بررسیهایی برای تعیین نسبت جمعیت مرد و زن شده است. از سوی دیگر، مؤسسه دست‌اندرکار تألیف یک فرهنگ فارسی جمعیت - شناسی است که انتظار می‌رود با انتشار آن زبان این علم از نابسامانی نجات یافته و برای استفاده اهل فن زبانی دقیق فراهم آورده شود.

در زمینه فنون جمعیت شناسی، مؤسسه به آزمونهایی دست زده است. این آزمونها تنها در موضوعاتی که مؤسسه به ابتکار خود برای تحقیق انتخاب می‌کند انجام می‌شود، بلکه در تحقیقاتی که به مؤسسه ارجاع می‌شود نیز به عمل می‌آید. مثلاً، در جریان بررسی باروری، یکی از مشکلات عمده تعیین زمان باروری زنانی بود که از ایشان سؤال می‌شد. چون اکثر آنها بی‌سواد بودند، پاره‌ای از حوادث مربوط به بارداری خود را فراموش کرده یا نمی‌توانستند زمان آنها را درست به یاد آورند. برای رفع این مشکل انواع پرسشنامه‌ها آزموده شد و سرانجام به سبب محدود بودن قلمرو تحقیق و مهارت پرسشگران در به کار بردن فنون دقیق مشکل حل شد. برای محاسبه جمعیت ایران در سال ۱۳۶۵ نیز مؤسسه فنون کاملاً تازه‌ای در محاسبه جمعیت برحسب سن و جنس به کار برده است.

در این خصوص، کارهای مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی یکبار دیگر نشان داده است که در یک کشور در حال رشد هر امر آماری به مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی و فرهنگی

بسیار پیچیده بستگی دارد و در نتیجه جمع‌آوری اطلاعات یکی از مشکلترین مراحل هر بررسی است. وانگهی، مشکلات این کار کلاً به اسر تحقیق مربوط نیست، بلکه به کمی مهارت و اطلاع محققان و پرسشگران نیز مربوط است.

جمعیت‌شناسی امروزه متشکل از مجموعه‌ی فئونیست آزموده شده. امروزه در برنامه‌های آموزش جمعیت‌شناسی در کشورهای پیشرفته بیش از پیش به مسائل خاص بررسی جمعیت در کشورهای در حال توسعه توجه می‌شود، لکن این کوشش برای حل همه مسائل موجود در این زمینه کافی نیست. یکی از کارهای مؤسسه آن بوده است که محققان جوانی را که در خارج از کشور تعلیم دیده‌اند با واقعیت‌های جامعه خود آشنا کند و به آنها طریقه به کار بردن فنون کلاسیک را در مورد واقعیت‌های محلی بیاموزد، به نحوی که بتوانند بجای به کار بردن فنون از پیش آماده، به تکمیل معرفت نظری خود نیز پردازند.

تحقیقات جامعه‌شناسی شهری

کشور ایران به دلایل مختلف به مناطق کاملاً متمایز تقسیم شده است. این تقسیم‌بندی شده‌گی هم به عوامل طبیعی (ارتفاع از سطح دریا، آب و هوا، نوع خاک، توزیع منابع کانی، وغیره) مربوط است و هم به عوامل اجتماعی و اقتصادی. بنابراین، تشکیل یک گروه متخصص در مسائل شهرها و مناطق کشور در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ضروری تشخیص داده شد.

توجه به مسائل ویژه مناطق مملکت، و مخصوصاً شهرها، که مراکز این مناطق هستند، سابقه چندانی ندارد. در واقع، باید گفت که سابقه اغلب بررسی‌های منطقه‌ای از ده سال بیشتر نیست و تهیه نقشه جامع شهرها به تازگی آغاز شده است.

مؤسسه جست و جو برای روش تحقیق را از انتقاد طرح‌های مطالعاتی موجود آغاز کرد. اکثر مطالعات موجود بررسی‌های فنی و اداری هستند که در آنها یکل مسائل انسانی نادیده گرفته شده است. اما مؤسسه، به سبب محدودیت امکانات، تا کنون تنها به مطالعات شهری اکتفا کرده است، ولی به اهمیت مطالعات منطقه‌ای نیز توجه دارد.

در مورد مسئله سکونت در شهرهای بزرگ ایران، مخصوصاً پایتخت، که وضع مسکن در آن سخت نامطلوب است، یکی از دو راه را باید انتخاب کرد: یا باید شیوه مرسوم را دنبال کرد، یعنی ساختن خانه‌های اختصاصی یک طبقه دو طبقه (۹ درصد) با همه عواقب آن، یعنی توسعه نامتناسب شهر، ده برابر شدن هزینه‌های خیابان سازی و تجهیزات شهری، و غیره؛ یا ترویج واحدهای مسکونی جمعی، که از لحاظ اقتصادی کاملاً با صرفه است ولی هنوز مردم به آن عادت نکرده‌اند. اینها از جمله مسائلی هستند که پس از تحقیقات جدی می‌توان راه حلی برای آن یافت. تشکیلات کنونی تهیه نقشه جامع شهرها امکان چنین تحقیقاتی را نمی‌دهد. در مطالعه‌ی که هم اکنون در باره شیراز در جریان است، توانسته‌ایم با همکاری گروه شهر-

سازی دانشکده هنرهای زیبای تهران، گروه تحقیقی مستقلی تشکیل داده و تا حدودی ایمن مشکل را مرتفع سازیم. این گروه علاوه بر آنکه از امکانات مالی نسبتاً کافی و زبان مطالعه معقول (دو سال) برخوردار است، مرکب از متخصصان رشته‌های مختلف چون شهرساز، معمار، مهندس، جامعه‌شناس، و اقتصاددان است که از نزدیک با یکدیگر همکاری می‌کنند.

از لحاظ نظری، هدفی که در تحقیقات شهری مؤسسه دنبال می‌شود شناسایی بهتر واقعیت زنده شهرهاست. همچنانکه در بسیاری از مطالعات منطقه‌یی معمول است، روش اینست که کار بررسی از «پوسته خارجی» آغاز می‌شود. بدین معنی که با تهیه نقشه‌های متعدد نخست وضع کلی شهر از لحاظ تجهیزات آموزشی، بهداشتی، بازرگانی و صنعتی (برحسب نوع فعالیت)، ساختمانهای عمومی، راههای ارتباطی، بناهای تاریخی و فضاهای سبز و جز آن مشخص می‌شود. به طور کلی، در این مرحله از تحقیق سعی می‌شود که محل فعالیت‌های شهری، مساحت و حجم شهر، و حدود اجزای مشخص آن تعیین شود. سپس تحقیقات عمقی آغاز می‌شود. در این مرحله، بررسی انواع تراکم (جمعیت، قدرت خرید، مصرف، و غیره) و فراوانیها (مقدار عبور و سرور، میزان استفاده از مدرسه، بیمارستان، و غیره) بررسی می‌شود. به موازات این مرحله، بررسی گروه بندیهایی اجتماعی: طبقات اجتماعی، گروههای ذینفع، گروه‌های زورآور، کلان، و خانواده نیز انجام می‌شود. در تحقیقات شهری، این گونه بررسیها از لحاظ تاریخی بسیار مفید است. به نظر می‌رسد که سازمان شهری قدیم ایران بر پایه کلان استوار بوده است. شهریه چندین «محل» و هر محله به چندین «گذر» تقسیم می‌شد. و سرپرستی هر محله در دست یک «کدخد» یا «کلانتر» بود. مرکز دینی و تجارتي محله‌ها «پاتوق» نامیده می‌شد. اما امروز، در نتیجه توسعه سریع شهر و دیگر دگرگونیهای اجتماعی، از تشکیلات سابق جز ناسی باقی نمانده است. شهر نشینان کنونی برحسب تقسیم طبقات اجتماعی به فقرا، کارگران، کسبه و صاحبان حرف، طبقات متوسط جدید و طبقات سرفه تقسیم می‌شوند و اینجاست که با یکی از مشکلات تقریباً حل نشدنی روبرو می‌شویم: آیا در طرحهای تنظیم شهر باید از قشر بندی کنونی شهر تبعیت کرد، یا آنکه در جهت یکسان کردن و حذف امتیازات اجتماعی اقدام کرد؟ اگر راه دوم پذیرفته شود، با توجه به جریان کنونی امور، آیا خطر آن نیست که شهرهایی ساخته شود که عملاً قابل سکونت نباشند؟ روی این اصل، تاریخ توسعه و سازمان بافت شهر مورد توجه مخصوص است.

از کارهای جالب و مفید دیگری که در این زمینه می‌توان انجام داد تحقیق در باره انگیزه‌ها (عامل مهاجرت و جایجاشدن در داخل شهرها، و غیره)، و وجه نظرها و عقاید (در باره توسعه شهر، شکل و اندازه مسکن و تجهیزات آن، و غیره)، و تمایلات طبقات مختلف و اولویت‌هایی است که باید در نظر گرفته شود.

بدین ترتیب، با به کار بردن قالبهای فکری کاملاً نو برای بررسی پدیده‌های اقتصادی

اجتماعی، بیش از پیش به مفهوم کلی «پدیده اجتماعی تام»، که مارسل موس آورده و اخیراً ژرژ گورویچ با حرارت از آن دفاع نموده است، نزدیک می‌شویم. به نظر ما، برای تشریح کارکرد (فونکسیون) یک شهر، نخست باید قسمت‌های مختلف آن را در رابطه با یکدیگر تشریح کرد و سپس آنها را در یک کل به هم پیوست. این مناسبترین روش برای نزدیک شدن به واقعیت است. تنها در یک مورد از اصول بالا اندکی دور می‌شویم، و آن ضرورت یک مطالعه جدی برای تلخیص و ساده کردن مطالعات مراحل قبلی است.

تحقیقات روستایی

از چند سال پیش به این طرف، حیات روستایی در ایران موضوع بررسی‌های سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی شده است. قبل از اصلاحات ارضی ده به یک مالک بزرگ تعلق داشت و غرض از مطالعاتی مانند مطالعات خانم لمتون (مالک و رعیت) در ۱۹۵۳، تشریح سازمان سنتی روستا بود. مطابق این سنت، تقسیم محصول برحسب پنج عامل: آب، زمین، بذر، چارپا، و کار صورت می‌گرفت، که دوتای اول را مالک تأمین می‌کرد. بذر را هم غالباً او در اختیار دهقان می‌گذاشت، و حتی دربارهی مناطق فقیر تهیه چارپا نیز برعهده او بود و دهقان جز کار خود چیزی برای عرضه نداشت. بنابراین سنت، مالک سه یا چهار سهم از محصول را می‌برد و یک یا دو سهم نصیب دهقان می‌شد. در املاک متوسط نیز تقسیم محصول تابع همین اصل بود. در این نظام، ده یک واحد مستقل بود و حکومت مرکزی در آنجا نفوذ صوری داشت و اداره امور کلاً برعهده مالک یا نماینده او بود.

این شالوده اقتصاد و اجتماع روستایی قرن‌ها بدون تغییر دوام آورد تا آنکه اصلاحات ارضی این شالوده را دگرگون کرد. گذشته از تقسیم قطعات زمین (نسق) میان روستاییانی که تا آن زمان روی آن کار کرده بودند، در روابط سنتی دهقان و مالک نیز تزلزلی ایجاد شد. هدف اصلاحات ارضی افزایش تولید کشاورزی (افزایش مستمر بازده زمین بابه کاربرد فنون جدید) بود و تجارتي کردن محصولات کشاورزی در رابطه با صنعتی شدن مملکت. همچنین ملاحظات اجتماعی و سیاسی یعنی تضعیف طبقه بزرگ مالک و کمک به رشد طبقه‌ای از دهقانان نسبتاً مرفه که بتوانند شخصاً (بدون کمک مالک) کار تولید را عهده‌دار شوند، در این اصلاحات دخیل بود. هم‌اکنون دشوارترین قسمت این برنامه برای به ثمر رسانیدن این اصلاحات در پیش است و آن گذاشتن مؤسسات جدید مانند شرکتهای تعاونی روستایی و انجمنهای ده و شرکتهای سهامی زراعی، به جای روابط شبه فئودالی سابق است. در ضمن این تحولات، باز شدن پای سپاهیان و مأموران مختلف به روستا سبب شده است که دگرگونی اساسی در آگاهی سیاسی و اجتماعی روستاییان و مبانی فرهنگی آنها پدید آید.

در چنین اوضاع و احوالی سؤالات متعددی برای جامعه‌شناس و اقتصاددان مطرح می‌شود: نتایج اقتصادی و اجتماعی اصلاحات ارضی چه بوده است؟ جماعات روستایی چگونه

با آن سازگار می‌شوند؟ شیوه‌های جدید کشاورزی تا چه حد معمول شده است؟ چگونه می‌توان به ترویج آنها توفیق یافت؟ شرکتهای تعاونی روستایی و انجمنهای ده و شرکتهای سهامی زراعی چگونه به وظایفشان عمل می‌کنند؟ آیا این مؤسسات توانایی جمع‌آوری آراء انفرادی را در سازمانهای جمعی دارند؟ آیا می‌توان صور جدیدی از فعالیتهای جمعی را مشاهده کرد؟

برای پاسخ دادن به این سؤالات، سازمان برنامه سه سال قبل به مؤسسه پیشنهاد کرد که در زمینه مسائل اقتصادی و اجتماعی روستاهای ایران به تحقیق بپردازد. این تحقیق در مناطق ایلام، خراسان، آذربایجان، اراک و بندرعباس اجرا شد. این بررسیها، در عین حال، برای مؤسسه فرصتی بود تا صحت بعضی فرضیه‌ها را درباره سازمانهای سنتی جماعت روستایی و میزان توانایی بالقوه آنها را برای سازگارشدن با فنون جدید بیازماید.

برای این بررسی نمونه، ده در صد از روستاهای هر منطقه برگزیده شد که در مجموع ۹۴ ده را شامل می‌شد. در هر ده، متناسب با جمعیت آن، تعدادی خانوار انتخاب شد که کلاً شامل ۳۱۷۳ خانوار بود. این تحقیق همچنین ۵۰ شرکت تعاونی روستایی را، که پس از اصلاحات ارضی تأسیس شده بود، در برمی‌گرفت. سه پرسشنامه تدوین شد: یکی برای ده، یکی برای شرکتهای تعاونی روستایی، و یکی برای خانوار. از تکنیک مصاحبه آزاد نیز استفاده شد و بالاخره، در هر منطقه یک ده برای منوگرافی کامل انتخاب شد. از این مطالعات گزارشهای ۱۶ منطقه منتشر شده و بقیه در جریان انتشار است.

در همه این بررسیها، توجه عمده پرسشگران به خانوار، به عنوان واحد اصلی تولید روستایی، معطوف بود که آن را از چهار جنبه تولیدی بررسی می‌کردند: کشاورزی، دامپروری، صیفیکاری، و صنایع دستی. بخش بررسی‌های روستائی مؤسسه هم‌اکنون، بر اساس اطلاعات گردآوری شده، مشغول بررسی دگرگونیهای روستایی در ایران است.

بی‌شک، اصلاحات ارضی موجب دگرگونیهای بی‌سابقه‌یی در زندگی روستایی شده و نتایج آن بسیار متنوع است.

این زمینه‌ها، به اضافه زمینه‌های روانی و اجتماعی چون رویه دهقانان در برابر شرکتهای تعاونی یا در برابر مأموران دولتی، و مخصوصاً آگاهی آنها به نقشی که به تدریج در اقتصاد مملکت تحصیل می‌کنند، قلمروی فوق‌العاده جالب برای تحقیق اجتماعی است که مؤسسه همچنان به دنبال آنست. از جمله، در سال گذشته به درخواست بانک کشاورزی تحقیقی در مورد فعالیتهای بانک مزبور در شش منطقه اصفهان، مریوان، گرگان، شمسوار، فوسن، ولاهیجان انجام شد که گزارش آن منتشر شده است. وزارت اصلاحات ارضی نیز از مؤسسه درخواست کرده است که از فعالیتهای شرکت سهامی زراعی و شرکت تعاونی و ۱۰۲ ده در در زمینه اصلاحات ارضی تحقیقاتی بشود و هم‌اکنون برای این مطالعه بیش از ۲۰۰۰ پرسشنامه پر شده که محققان مشغول استخراج آنها هستند.

انسانشناسی ایلی

ایران به سبب وجود سه جامعه کاملاً متمایز (شهری، روستایی، و ایلی) در آن داشتن تاریخی کهن، یکی از متنوعترین و جالبترین زمینه‌های تحقیقات انسانشناسی را عرضه می‌کند. در پاره‌ای از قبایل دور افتاده ایران رسوم هزار ساله همچنان دست نخورده باقی مانده و ساختمان جامعه ایلی با تمام خصوصیات کهن آن محفوظ مانده است. همچنین، مهاجرت فصلی ایلهای فصلی بدیع در مطالعات انسانشناسی است. اما کنجکاوهای انسانشناس ایرانی به زندگی ایلی محدود نمی‌شود. در مملکت روستاییانی زندگی می‌کنند که پس از اجرای اصلاحات ارضی و دیگر برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی، زندگی‌شان در معرض تغییرات اساسی قرار گرفته و بدین لحاظ زمینه متمایز برای تحقیقات انسانشناسی هستند. مردم شهرها نیز به نوبه خود قلمرو جالبی برای مطالعه مقاومت در برابر نوسازیهای تحمیلی به شمار می‌آیند.

در ایران فرهنگهای فرعی متعددی با ریشه‌های متفاوت وجود دارد، لکن همه آنها، با وجود منشاء متفاوتشان، دارای گذشته‌ای مشترک هستند. به عبارت دیگر، دروای این کثرت، وحدت فرهنگی نیرومندی وجود دارد که از ایلی و روستایی و شهری پیکری واحد می‌سازد؛ آنچنان وحدتی که فرهنگ ایران را به دفعات از تهاجم فرهنگهای بیگانه رهایی بخشیده است. مظهر بارز این وحدت اشاعه زبان و ادب فارسی در سراسر کشور است. آنچنانکه چادر نشین کرد و لر هفت پیکر نظامی و شاهنامه فردوسی را با فصاحت مردان ادب حکایت می‌کند. همچنین، اقوامی که به لهجه ترکی تکلم می‌کنند بسیاری از اشعار فارسی را از بردارند.

علاوه بر این، باید به تاریخ سیاسی مملکت نیز توجه کرد، زیرا، در واقع، هیچ ایلی در ایران وجود ندارد که به نحوی در حوادث تاریخی مملکت نقشی نداشته باشد. وانگهی، وجود خرابه‌ها و تپه‌ها در دل کوهستانهای اغلب مناطق ایل نشین گواه روشنی است بر اینکه در گذشته تمدنهایی عالی در این مناطق وجود داشته است. باید اذعان کرد که هر تحقیق انسان شناسی در ایران مستلزم شناسایی عمیق زبان و تمدن ایرانی است.

به عقیده ما، دیگر زمان تحقیقات منفرد، چه اکتشافی چه عمقی، به اتکای همکاری مترجمان سر آمده است. انسانشناس غربی به صورتهای ویژه هر ساخت اجتماعی، که آن را تقریباً تغییر ناپذیر تلقی می‌کند، توجه دارد و کمتر در قید دگرگون ساختن آنها در جهت بهبود زندگی جماعتی که موضوع بررسی هستند، می‌باشد. هدف اصلی او یافتن ساختهای ویژه است و کار او محدود به جایگزین کردن واقعتهای ملموس فرهنگ بررسی شده در مجموعه نظریه‌ها، مفاهیم و سیستمهای انسانشناسی غربی است. او رفتار و واکنشهای افراد را (که غالباً بر حسب حالات جسمانی، روانی، و قومی انسان متفاوت است) بررسی می‌کند و از خلال

آن سوابق فرهنگی سنتی را استنتاج می‌کند. آیا فرهنگی که این چنین تفسیر شود در نهایت امر چیزی جز مفاهیم ساخته ذهن خود انسانشناس نخواهد بود ؟

انسانشناس محلی رسالتی دیگر دارد. او از دیدگاهی دیگر به موضوع می‌نگرد، و با ایدئولوژی و غایت تحقیقش از همکار غربی خود جدا می‌شود. اگر انسانشناس غربی در برابر وضع زندگی انسانهایی که بررسی می‌کند، تأثیری نشان نمی‌دهد، انسانشناس محلی سودای دیگر دارد و به دگرگون کردن آن می‌اندیشد.

در هر حال، نباید از آنچه گفته شد چنین استنباط شود که ما ارجی برای کوششهای انسان شناسی غربی قایل نیستیم. در واقع، متخصصان انسانشناسی ما هم در غرب تربیت شده‌اند. لکن آنچه بیش از هر چیز مورد توجه ماست، سرنوشت انسانهاست. کوتاه سخن اینکه، ما معتقدیم که انسانشناسی باید در خدمت بهزیستی انسان باشد.

فعالتهای گروه انسانشناسی مؤسسه را می‌توان به دو قسمت آموزشی و تحقیقی تقسیم کرد. این گروه با وجود سابقه کمی که دارد تا کنون موفق شده است تقریباً در همه ایلهای کشور مطالعات اکتشافی انجام دهد. هم‌اکنون ما آرشیهایی نسبتاً مهمی از گزارشهای منتشر نشده، عکس، اسلاید و فیلم در اختیار داریم. گروه مذکور قریباً مطالعات خود را در منطقه ایل نشین کهگیلویه، که مدت یکسال طول کشیده است، به پایان می‌رساند و نتایج این مطالعات به صورت گزارشها و نتوگرافها انتشار خواهد یافت. ! مطالعات مشابهی نیز در کلیه مناطق ایلی مملکت انجام خواهد گرفت. این بار نیز مدت مطالعات برای هر ایل یکسال خواهد بود که فرصت مناسبی است که محققان ما حیات اجتماعی و اقتصادی ایل را، که با تغییر فصول دگرگونی قابل ملاحظه‌ای می‌یابد، عمیقاً بررسی کنند. مجموع این تحقیقات اسکان خواهد داد که زندگی ایلی در ایران شناخته شود. پس از فراغت از این کار هر پنج سال یک مطالعه جدید، ولی فشرده‌تر، انجام خواهد شد و منظور از آن ارزیابی تغییرات و تخمین بازدهی سرمایه‌گذاریها و نیروی کار مصرف شده در مناطق ایلی خواهد بود.

۱. در سالهای ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ گروه عشایری مطالعات انسانشناسی خود را در منطقه کهگیلویه انجام داد. حاصل این تحقیقات نشریات زیر است :

۱- اطلس ایلات کهگیلویه ؛ ۲- جمعیت و شناسنامه ایلات کهگیلویه ؛ ۳- مونوگرافی سیسخت (بویراحمد سفلی) ؛ ۴- مونوگرافی ایل یاسوج (بویراحمد علیا) ؛ ۵- مونوگرافی ایل چرام ؛ ۶- مونوگرافی ایل بابویی ؛ ۷- مونوگرافی ایل دشمن زیاری ؛ ۸- مونوگرافی ایل طیبی ؛ ۹- مونوگرافی ایل بهمئی ؛ ۱۰- وضع اجتماعی و اقتصادی ایلات کهگیلویه (در دست تهیه است). در ضمن سه فیلم رنگی ۱۶ میلیمتری ناطق به نامهای زیر از ایلات کهگیلویه تهیه شده است :

۱- فیلم «بلوط»	مدت نمایش	۳۲ دقیقه
۲- فیلم «تهیه مشگک»	»	۱۲ »
۳- فیلم «دهدشت»	»	۷ »

بدین ترتیب ، به تدریج ، با پیشرفت تحقیقات ، روشهای انسانشناسی نظری با نیازهای خاص کشور ما منطبق می شود .

هدف دیگر تحقیقات ما آسان نمودن تصمیم گیری برای سازمانهای دولتی در باره اسور مربوط به مردم روستایی و ایلی است . به عبارت دیگر ، هدف تحقیقات انسانشناسی مؤسسه را می توان به شرح ذیل خلاصه نمود :

- ۱- تحصیل اطلاعات انسانشناسی عمیق از زندگی ایلی و روستایی در ایران ؛
- ۲- استفاده از این اطلاعات در راه رشد و بهزیستی این مردم ؛
- ۳- استفاده از این اطلاعات برای ارزیابی و سنجش تأثیر اجرای برنامه های رشد در مناطق ایلی ؛
- ۴- پایه گذاری علم انسانشناسی با مفاهیم و نظریه های جدید ، که احتمالاً سددکار نسلهای آینده در پی گیری و توسعه این علم در کشور ما خواهد بود ؛
- ۵- تعلیم انسانشناسی به دانشجویانی که بدین رشته از معرفت علاقه مندند ؛
- ۶- همکاری با مراکز جهانی انسانشناسی ؛

مطالعات منوگرافی (نگ نگاری)

از میان منوگرافیهای که مؤسسه تهیه کرده است اجمالاً به دو مورد آن ، یکی صنعت فرش و دیگری بنگاههای صنعتی تهران ، اشاره می کنیم .

۱) صنعت فرش تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

تاکنون کتابها و مقالات متعددی در باره هنر فرشبافی در ایران انتشار یافته است . معهداً ، به استثنای کتاب صاحب نظر انگلیسی ، س . ادواردز ، به نام فرش ایران The Persian Carpet ، که در ۱۹۶۰ منتشر شده است ، هیچیک از آنها ارزش جامعه شناسی ندارد و اغلب آنها یا برای راهنمایی خریداران غیر حرفه ای فرش نوشته شده است یا تفسیرهاییست پیرامون سمبولیسم نقوش و یا مطالبی است درباره تجارت خارجی فرش و در آنجا توجهی به زندگی اهل این فن نشده است . بررسی ما در تمام کشور ، که دو سال پیش آغاز شده است ، کاملاً در جهت مخالف نوشته هایی است که بی اغراق گرایش استعماری در آنها بوده است . مطالعه ما اساساً متوجه مشکلات ۷۰ هزار مرد و زن و کودک شده است که با فرسودن خود کالایی را تولید می کنند که نام آن بانام کشور ما قرین است . برای این کار نخست ۱۱۰۰۰ شهر و ده را در سراسر سملکت که در آنها صنعت فرش وجود دارد به مناطق متعدد تقسیم کردیم . حدود این مناطق را با استفاده از مفهوم قطب ، که مقصود از آن یک بازار محلی است ، و مفهوم تجانس ، که مقصود از آن همه جاهایی است که مطابق فنون و مشخصات معینی (اندازه ، نقشه ، ظرافت ، رنگ ، وضع پود ، وغیره) عمل می کنند ، تعیین کردیم . در جریان تحقیق پی بردیم که روستاهای متعددی وجود دارد که در آنها کشاورزی نسبت به فرش در

درجه دوم اهمیت است، ولی ساکنان آنها با وجود کالای ارزنده‌یی که تولید می‌کنند، در فقر به سر می‌برند.

در یک تفکیک مقدماتی دو نوع عمدهٔ فرش مشخص شد: نوع شهری، در قطع‌های بزرگ و از روی نقشه‌هایی با خطوط منحنی؛ و نوع روستایی، در قطع‌های کوچک و از حفظ با نقشه‌های هندسی. تولید سالیانه در حدود ۴/۵ میلیون متر مربع تخمین زده شد که ۵۶٪ آن نوع شهری است و معلوم شد که اکثر بافته‌های فرش (۸۵٪) زنان هستند و اندکی کمتر از نصف آنها (۴۴٪) از ۱۵ تا ۱۰ سال دارند. کارسزدوری، مخصوصاً در نوع شهری، در چند سال اخیر خیلی توسعه یافته است. دستمزد متوسط سالیانهٔ یک بافنده از این نوع که تمام روز کار کند به زحمت به ۷۲۰۰ ریال می‌رسد. با آنکه در این صنعت، در مجموع، قریب ۱٪ کل جمعیت فعال ایران مشغول به کار هستند، ارزش تولیدی آن تنها ۱/۳٪ درآمد ملی را تشکیل می‌دهد.

با توجه به سراتب فوق، صنعت فرش چندان سود بخش نبوده و هیچ امیدیه هم به بهبود آن، لااقل بدون بالا بردن اساسی قیمت فرش، وجود ندارد و این نیز ممکن نیست مگر با کاهش تولید، یعنی با محدود ساختن توسعهٔ کمی آن.

۴) بنگاه‌های صنعتی تهران

مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات اجتماعی، بر اساس یک نمونه‌گیری، ۵۰ بنگاه از بنگاه‌های صنعتی تهران را که بیش از ۲۰ کارگر در هر کدام کار می‌کند، مطالعه کرده است. آنچه بویژه مورد توجه واقع شده فعالیت صنعتی، وضع حقوقی، وسایل تولید، و سازمان روابط اجتماعی بنگاه است. این بررسی به نتایج جالب و با ارزشی منتهی شده است.

اطلاعات گردآوری شده به وضوح مؤید آنست که ایران مرحلهٔ اول صنعتی را با جهش پشت سر گذاشته و مستقیماً وارد مرحلهٔ تولید نیمه خود کار و خود کار شده است. در واقع، کمتر از یکدهم کارگاهها با ماشینهای افزار تجهیز شده است. نمونه‌گیری ما کارگاههای کوچک را که در آنها معمولاً ماشینهای افزار و نوع فعالیت متناسب با آن وجود دارد، شامل نمی‌شود، زیرا این کارگاهها از نظر حجم کلی تولید صنعتی و همچنین جذب نیروی کار چندان اهمیت ندارند.

نتیجهٔ مفید دیگری که از این مطالعات به دست آمده به نوع روابط اجتماعی در بنگاه‌های صنعتی مربوط می‌شود. تصمیماتی که وضع کارگر را تعیین می‌کند (استخدام، طبقه بندی، تعیین دستمزد، اعطای امتیازات اجتماعی، مرخصی، تعطیل، و غیره) معمولاً برحسب قوانین نیست بلکه به مقیاس وسیعی با مناسبات شخصی حل و فصل می‌شود. در میان این نمونه‌ها، تنها در سه بنگاه از ۵۰ بنگاه کارگزینی، که اصولاً از وسایل ضروری ادارهٔ عقلایی کار است، وجود دارد و در بقیه مدیر بنگاه یا سرکارگر شخصاً وظایف کارگزینی را انجام می‌دهند.

آینده نگری

بانوسازی (modernisation) جامعه رفتارهای خاصی در همه زمینه های زندگی اقتصادی و اجتماعی پدید می آید. با آنکه این دگرگونیها را نمی توان تابع هیچ نظام و آهنگ خاص دانست، جامعه شناس قادر است تا حدودی خطوط اصلی دورنمای تحول کلی جامعه را رسم کند و گرایشها و انگیزه های موانعی را که در پیش است اعلام کند.

برای پاسخ بدین نیاز، مؤسسه، به توصیه دولت، بررسی وسیعی را درباره مجموع فعالیت های اقتصادی و اجتماعی، به منظور تدوین طرحی از دورنمای آینده کشور، برعهده گرفت و ۲۰ گروه تحقیق کلیه بخشهای فعالیت مملکتی را، از اقتصاد زراعی گرفته تا طرحهای صنعتی، بررسی کردند. کوشش محققان ما برای آنست که سهمترین نتایج تحول اقتصادی و اجتماعی مملکت را در ده سال گذشته تعیین کرده و از آن طریق به پاره ای از قواعد دگرگونیهای جاری دست یابند. بدین ترتیب، آنها از شناسایی گذشته به درك آینده روی می آورند. در این بررسی، جامعه شناس میان متخصصان علوم مختلف رابط است.

بخش آینده نگری مؤسسه لازم دید که مقدمتاً گزارشی از فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی ایران در دهه ۱۳۳۰-۱۳۴۰ تدوین کند و داده های لازم را برای طرح ریزی آینده تدارك نماید. این گزارش، که اینک آماده شده است، شامل سه قسمت اصلی است:

- ۱- تحول جمعیتی و شغلی؛
- ۲- تحلیل شالوده های اقتصادی؛
- ۳- نظری اجمالی به مشکلات اقتصادی و اجتماعی در کشوری که در حال تحول سریع است.

این بررسی، که باید آنرا مطالعه ترکیبی دقیق وضع موجود تلقی کرد، در عین حال، نخستین مرحله هرگونه بررسی آینده به شمار می آید. ذکر چند مثال به توضیح روشی که در تحقیق به کار رفته است مدد خواهد کرد.

برای بررسی مصرف مطالعه تحلیلی بودجه خانوار ملاک قرار گرفت و در آن، به ترتیب، مصرف سرانه محصولات اصلی، کثکث مصرف محصولات مختلف بر حسب درآمد ممکن خانوار، و حساسیت مصرف، مشخص شد.

مسئله دیگر، دانستن این مطلب بود که افراد چگونه از منابع بهره برداری کرده و در تولید ملی مشارکت می کنند. برای روشن شدن این موضوع سعی شد نقش عوامل تکنیکی، با علم بر ناستجانس بودن آن در بخشها و جاهای مختلف، شناخته شود. روی این اصل، تولید کشاورزی به دو بخش (سنتی و مکانیزه)، و تولید صنعتی نیز به دو بخش (حرفه ای و صنعتی) تقسیم شد. این تقسیم بندی مشکلات توسعه اقتصادی را، چه در زمینه مشاغل و چه در زمینه تربیت کادر و نیروی انسانی متخصص، آشکار می کند. پس از آگاهی به آنها می توان به

برآورد سرمایه‌های لازم و عوامل مختلفی پرداخت که برای تربیت آنها مورد نیاز است. جدول واردات و صادرات نشان دهنده حجم زیاد تقاضا برای کالاهای سرمایه‌ای است که وارد کردن آنها برای توسعه سریع و مستمر کشور ضروری است.

بدیهی است که تحقیق فوق عوامل اقتصادی و اجتماعی را در صدر می‌نهد. در این تحقیق به خدمات دولت، چه از لحاظ تواناییهای آن و چه از لحاظ کمی و کاستیهای آن در قبال وظایف جدیدی که دولت برعهده گرفته است توجهی مخصوص شده است. همچنین، در آن رفتار اجتماعی گروههای مختلف در برابر تجربیات جدید اقتصادی و اجتماعی و نوآوریهای تکنیکی روشن شده است.

بدین ترتیب، تحقیقات پراکنده ۲۰ گروه تحقیقی، به صورت گزارش کاسلی در می‌آید که پایه‌ای برای مطالعه آینده است.

تحقیق در باره طبقات اجتماعی

مؤسسه طرحهای تحقیقی متعددی را در مورد مطالعه تاریخی و شالوده‌ی جامعه ایرانی دنبال کرده است. در نخستین طرح سعی بر آن بوده است که ویژگیهای تاریخی جامعه ما، چه در گذشته و چه در دوره معاصر، روشن شود. فی‌المثل، سازمان فئودالی در صورت غربی آن با آنچه که در شرق و شرق دور، به استثنای ژاپن و لبنان، ملاحظه می‌شود در وجوه متعدد و سهمی متفاوت است. از این لحاظ، تاریخ کشور ما شاهد تسلط دو قدرت تاریخی بوده است: از سویی، نوع جامعه آسیایی، و از سوی دیگر، سازمان فئودالی. و هدف مطالعات کنونی آنست که میزان استخراج این عوامل و وجوه شباهت و افتراق آن را با نظامهای سنتی دیگر روشن کند.

طرح دوم، تحقیقی است در نظام اجتماعی سه گانه ایران. نظامات روستایی، ایلی، شهری و جریان کنونی توسعه آنها می‌باید به مدد تاریخ تجزیه و تحلیل و بررسی شود. مطالعه ساخت ویژه طبقات اجتماعی و توسعه آنها در بطن این اجتماعات سه گانه و وابستگی متقابلشان از هدفهای اصلی این طرح تحقیقی است. همچنین، در این طرح شناخت خصایص عمده انسانی این جوامع، که در دوره انتقال به سر می‌برند، جایی خاص دارد. غرض دانستن اینست که این قشرها چگونه در کل جامعه ایرانی و مخصوصاً در بطن هر یک از اجتماعات شهری، روستایی، و ایلی توسعه و قوام یافته‌اند.

برای این منظور تحقیقات متعددی در مؤسسه شده است که مهمترین آنها تحقیق درباره نخبگان سیاسی و دینی، دانشگاهی، اقتصادی، و ادبی جامعه ایرانی است. در فصل نخبگان سیاسی، نخستین تحقیق درباره نمایندگان مجلس شورای ملی در بیست و یک دوره قانونگذاری به طبع رسیده است. دومین تحقیق، که منشاء اجتماعی وزرا و سناتورها را بررسی می‌کند، هم اکنون دنبال می‌شود. در این زمینه، طرح دیگری نخبگان اقتصادی را مطالعه می‌کند، و مقصود از آن شناختن قشرهای جدید آنتروپرونور، بانکدار و صاحبان صنایع در ایران است. کادر

آموزشی دانشگاهها نیز موضوع تحقیق دیگری است در این زمینه، که نتایج آن انتشار یافته است. تا کنون نتیجه دو تحقیق درباره کسبه بازار و کارگران تهران نیز به طبع رسیده است. این تحقیقات جملگی حاکی از تغییرات عمیق در ساخت جامعه کنونی ایران است. ساخت اجتماعی نخبگان سیاسی و حکومتی در ده سال اخیر دگرگون شده است. مالکان ارضی، که در آغاز قرن بیستم هنوز از حقوق مالکیت مطلق برخوردار بودند، و قسمت عمده پستهای حساس دولتی و نمایندگی مجلس را در اختیار داشتند (۹۰۶). نماینده در مجلس شورای ملی که شامل ۸۰٪ نمایندگان است) در دوره‌های جدید نمایندگی از تعدادشان کاسته شده است. همچنین، تغییراتی که در ارکان قدرتهای تولیدی و مناسبات تولیدی و سیر صنعتی شدن مملکت پدید آمد، موقع را برای اجرای قانون اصلاحات ارضی مناسب ساخت و تعدادی از مالکان بزرگ ارضی به مشاغل دیگر رو آوردند؛ و بدین ترتیب، نخبگان اقتصادی مملکت نقش تازه‌یی بر عهده گرفتند.

تحقیق درباره نقش دستگاه اداری

پیش از اصلاحات ارضی، نظام بزرگ مالکی گسترده‌ترین و نیرومندترین قدرت اجتماعی و اقتصادی در ایران بود. تأثیر این قدرت نه تنها در روستاها، بلکه در شهرها نیز احساس می‌شد. مالکان ارضی، چه بزرگ و چه کوچک، رابط دستگاه اداری و توده کشاورزان بودند و در عمل نماینده یا جانشین کارمندان دولت. زیرا تعداد این کارمندان در سرزمینی به وسعت و پهناوری ایران و جمعیتی آنچنان پراکنده متناسب با نیازمندیها نبود.

مالکان بزرگ نفع خود را در آن می‌دیدند که به هر ترتیب از برقرار شدن تماس مستقیم میان توده ملت و ادارات دولتی جلوگیری کنند. بدین ترتیب، دستگاه اداری و سیستم بزرگ مالکی به صورت دو واحد مکمل یکدیگر بودند و دستگاه اداری از تماس مستقیم با اکثریت مردم و هرگونه شناسایی نیازهای واقعی توده مردم بدور بود. از سوی دیگر، کارمندان دولت بیشتر به اشکال تراشی ظالمانه و نقض قانون شهرت داشتند تا اجرای صحیح آن. وانگهی، مسئله بی‌اعتمادی مردم بر دستگاه دولت در سراسر تاریخ ایران وجود داشته است. حال که با از میان رفتن نظام ارباب-رعیتی، دگرگونی اساسی اجتماعی پدید آمده است، بعد از این، توده دهقانان آزاد شده با دستگاه اداری مستقیماً تماس خواهند داشت و مسئله‌یی که اینک مطرح است پاسخ دادن به نیازها و درخواستهای روزافزون و اداره امور آنهاست.

در شهر نیز افزایش سریع جمعیت و پیدایش نیازهای جدید در نتیجه نوع جدید سکونت شهری و، بالاخره، تسریع در صنعتی شدن و آگاهی مردم از شیوه زندگی جوامع پیشرفته موجب دگرگونی اوضاع و احوال شده است. ترکیب این عوامل توقعات مردم را بالا برده و شهرها نیز بیشتر از دولت انتظار اقدام و عمل دارند. البته، دولت نیز خود با اجرای برنامه‌های توسعه، چه در زمینه توسعه صنعت و افزایش درآمد ملی و چه با پیشبرد تعلیم و

تربیت و فرهنگ توده، در بالا بردن توقعات ملت مؤثر بوده است. بدین ترتیب، ناگهان دستگاههای اداری مأمورانجام وظایفی شده‌اند که نه از لحاظ روش و نه از لحاظ دستورالعمل‌ها برای اجرای آنها آمادگی ندارند. امروزه دستگاه اداری مسئولیت خطیری در تأمین نیازهای مادی و روانی ملیونها نفر دارد که در گذشته در حیطه عمل و مسئولیت آن نبوده است. برای هماهنگ شدن باوضع جدید باید شالوده و سازمان دستگاه اداری دگرگون شود و بالمآل مناسبات آن با مردم، با علم به اینکه شناخت احتیاجات توده مردم از اهم وظایف دستگاه اداری است، تغییر یابد.

از چند سال پیش مؤسسه، مطالعاتی در این زمینه انجام داده است: از سویی، درباره کارکرد دستگاه اداری و سازمان آن در رابطه باوظایف و مسئولیتهای جدید آن، و از سوی دیگر، درباره رویه و رفتار مردم درقبال دستگاه اداری. برای آگاهی از تصویری که مردم از دولت و دستگاه اداری دارند، از روش بررسی افکار عمومی استفاده شده است. این بررسی‌ها نشان می‌دهد که عدم تجانس عمیقی در عقاید افراد نسبت به دولت وجود دارد. و امیدواریم که بررسیهای مذکور، در توضیح و تبیین مناسبات متقابل فرد و دولت مفید واقع گردد.

تحقیقات روانی-اجتماعی

از سال ۱۳۴۲ مؤسسه دست به تحقیقات روانی-اجتماعی زد و با این دید تازه به تحلیل و تفسیر مسائل پرداخت. در واقع، بررسی گرایشها و عقاید نه فقط در سطح بیان بلکه در سطح عمل به تبیین و توجیه واقعیتهای اجتماعی با همه پیچیدگی آن کمک می‌کند.

این دید روانی-اجتماعی به عنوان یک بعد تازه در بررسی جامعه ما در نخستین مطالعات مؤسسه وجود نداشت ولی به سبب اهمیت آن مطالعات متعددی از این دیدگاه انجام گرفت که مهمترین آنها عبارت است از: (۱) مطالعه شرایط روانی-اجتماعی کار صنعتی در تهران؛ (۲) مطالعه خانواده در برابر دگرگونیهای اجتماعی؛ (۳) مطالعه باروری با توجه به سرگرمی و میراث اطفال و روابط جنسی زوجین.

مقایسه محیطهای اولیه و محیطهای فعلی کارگران تهران نشان داد که در ایران خانواده به شکل « هسته‌یی » وجود دارد و نقش مهمی در زندگی خانوادگی ایفا می‌کند. در واقع خانواده‌ها بدون آنکه باهم سکونت کنند باهم زندگی می‌کنند.

این بستگی خانوادگی تنها در زندگی زناشویی اثر نمی‌گذارد بلکه در زندگی فرد هم اثر می‌گذارد. در این شرایط، فرد موقعیتی متضاد دارد. از سویی به خانواده بستگی دارد و، از سوی دیگر، به جامعه‌یی که فرد را بیش از پیش به دست فراموشی سپرده است. چنین مبارزه‌یی میان خانواده و جامعه که فرد عمیقاً آن را احساس می‌کند، عوارض نابهنجاری در رفتار او برمی‌انگیزد. دریک بررسی نابهنجاری اجتماعی، که با همکاری بیمارستان نمازی شیراز درباره ۱۰۰۰ زن مبتلا به اختلال عصبی صورت گرفت، معلوم شد که ۳۰٪ اختلالها به موقعیت زن در

خانواده مربوط است. نتایج مشابهی نیز از مطالعات دیگر نابهنجاری اجتماعی به دست آمده است. مثلاً، ۴٪ طلاقها در سال پنجم ازدواج واقع می‌شود. بیش از یک چهارم خودکشی‌ها منشاء خانوادگی دارد. در یک بررسی نمونه، ۷۸٪ و ۶۰٪ زنان از ملال زندگی خانوادگی شکوه داشتند.

بدین ترتیب، مطالعه نابهنجاریهای اجتماعی ثابت می‌کند که این نابهنجاریها عموماً منشاء خانوادگی دارد. درست برخلاف آنچه در غرب جریان دارد، در آنجا نابهنجاریهایی چون خودکشی بیشتر در میان مجردها واقع می‌شود تا در میان متأهلها. می‌توان این سؤال را مطرح نمود که آیا کشمکش خانواده با فرد و جامعه، از آنجا که خانواده فرد را، که در معرض دگرگونیهای سریع جامعه قرار گرفته است، در قید می‌نهد، یکی از مشکلات حاد زمان ما نیست؟

دومین تحقیق درباره وضع خانواده است در قالب جامعه‌ی که در آن همه ارزشهای سنتی خانواده و روابط افراد در حال تحول و تغییر است. مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در تعقیب هدفی که هم تربیتی و هم عملی است، از ابتدای سال ۱۳۴۷ یک سلسله برنامه‌های هفتگی تلویزیونی درباره مسایل داخلی و خارجی خانواده اجرا نموده است. این مسایل متعددی از جمله: منزلت مرد و نقشهای مختلف آن به عنوان شوهر و پدر، منزلت زن و نقش هایش به عنوان همسر و مادر، روابط پسر و دختر، فزونی تعداد مردان در کل جمعیت، گسترش عمودی واقعی خانوار، اوقات فراغت، مسکن، بودجه خانوار، فحشا، اشتغلات کودکان (بازی، تکالیف، تماشای تلویزیون، و غیره) که در برنامه‌های مؤسسه تجزیه و تحلیل شده‌اند.

موضوع سومین تحقیق، که در سال ۱۳۴۳ آغاز گردید، مسئله باروری در سطح کشور بود که دارای دو جنبه است: جمعیتی، و روانی-اجتماعی.

اطلاعاتی که از پرسشنامه دموگرافیک، که هدف آن تعیین زمان باروری زنان است، به دست می‌آید کافی نیست، زیرا یک واقعه آماری به عوامل فرهنگی و اجتماعی بسیار پیچیده‌ای بستگی دارد که شناسایی آن مستلزم یک بررسی روانی-اجتماعی تکمیلی است.

تکنیکی که برای این مطالعه تکمیلی مورد استفاده قرار گرفت، مصاحبه با پاسخ آزاد است که بر روی نوار ضبط می‌شود. این شیوه که به روشن شدن مناسبات تعلق اجتماعی، رفتار، انگیزه‌ها و ارزشهایی که به باروری و مرگ و میر مربوط هستند، کمک می‌کند. پس از این مرحله، مطالعه‌ی شد درباره وضع جنسیت و سپس مجموع باروری، مرگ و میر و نسبت مجرد بودن، به عنوان عناصر ساختی جامعه.

بررسی نمونه‌ی، ۲۰۰ زوج روستایی و شهری را در بررسی گرفت که به شرح ذیل توزیع شده بودند: ۵۰ زوج ساکن ۲ روستای منطقه تربیت حیدریه بودند، ۵۰ زوج دیگر در ۱۰ روستای منطقه شهسوار می‌زیستند، و ۱۰۰ زوج بقیه از میان هفت گروه شغلی پایتخت، براساس ۱۰ زوج از گروه، انتخاب شده بودند. استخراج و تجزیه و تحلیل ۱۰۰ نوار که هر یک به طور متوسط ۷۰ دقیقه طول دارد، هم اکنون در جریان است.

به طور کلی، این بررسی منزلت سرد وزن را در سازمان اجتماعی و فرهنگی و وظایف هریک از آنها و ارزش نسبی کودک پسر یا دختر کوچک یا بزرگ را نشان می‌دهد.

چهارمین تحقیق، سلسله بررسیهایی است که در تهران و چند شهرستان در مورد تلویزیون انجام شده است. این مطالعات نشان می‌دهد که چگونه تلویزیون، به دلیل کمبودهایی که در خانواده‌ها بر اثر تغییر ارزشهای سنتی ایجاد شده، جای سهمی را اشغال کرده و محتوی پیاپیهای تلویزیونی تاچه حد به نیازهای واقعی فردی و اجتماعی پاسخ می‌دهد.

پنجمین تحقیق در عقاید و افکار دانشجویان فنی و صنعتی نسبت به رشته خود انجام پذیرفت و رویهمرفته مشاهده گردید که هنوز گرایشهای صنعتی لازم در کسانی که مستقیماً در صنعتی کردن کشور مؤثرند پیدا نشده و هنوز موانع روانی و روانی-اجتماعی بسیار در کار است.

ششمین تحقیق در بین جوانان دیپلمه‌ای که در مسابقه ورودی دانشگاهها شرکت کرده بودند صورت گرفت. در پرسشنامه‌ای که به این منظور تهیه شده مسائل خانوادگی، مالی، و اقتصادی، فراغت، و تحصیل آنان طرح شده بود. تاکنون نتایج مربوط به فصل تحصیلی این پرسشنامه در دو قسمت آموزش عالی و متوسطه چاپ شده است که مبین نادرستی ضوابط و مسلاکها در انتخاب دانشجو و انتخاب رشته از طرف دانشجو است.

استخراج و نتیجه‌گیری بقیه فصول پرسشنامه در دست انجام است.

نتیجه

در خاتمه کلام، می‌خواهیم نکاتی را درباره نقش عالم اجتماع در یک جامعه در حال رشد متذکر شویم. آنچه از او انتظار می‌رود، بیش از خلق آثار اصیل، کمک به فهم جریاناتی است که به وسیله آنها جامعه وارد مرحله دگرگونی سریع و رشد هماهنگ می‌گردد. به تعبیر دیگر، وظیفه او ارائه پیشنهادات عملی است که دگرگونی اجتماعی را تسهیل نماید. بنابراین، عالم اجتماع می‌باید بیش از مسائل نظری به مسائل عملی جامعه عنایت کند و ریشه این مسائل عملی را در تاروپود حیات جمعی جستجو کند.

از سوی دیگر، عالم اجتماع نباید به بررسی و تحلیل مسائل اکتفا کند. او باید راه حل نشان دهد و باید در تهیه و تنظیم سیاست اجتماعی مملکت مشارکت داشته باشد. این سیاست چیزی تعیین شده از قبل نیست. باید از مطالعه واقعیات حیات اجتماعی بیرون کشیده شود. بنابراین، عالم آگاه اجتماع می‌تواند نقشی در خلق نهادهایی که نیازهای ملت را بر می‌آورد، داشته باشد. بدین عنوان نیز او مسئول است. کوتاه سخن اینکه، عالم اجتماع ضمن آنکه واقعیت زنده اجتماعی را بررسی می‌کند، در عین حال باید به مسئولیت نوآوری خویش نیز آگاه باشد.

یقیناً، اتخاذ چنین رویه‌ای در قبال علوم مورد اعتراض آنهایی که نگران «عینیت علمی» هستند واقع خواهد شد. اما در پاسخ باید گفت که آیا کار برد عملی، که علم را از نقش ناظر بودن تنها بیرون می‌آورد، در نهایت امر شرط عینیت آن نیست؟